



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۳/ جمادی الأولى / ۱۴۴۶ هـ ق مطابق ۲۵/ عقرب / ۱۴۰۳ هـ ش

اسباب ضعف و ناکامی مسلمانان

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ، أَحْمَدُ رَبِّي حَمْدَ الشَّاكِرِينَ، وَأَشْكُرُهُ شُكْرَ الْحَامِدِينَ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ؛ إِلَهَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، وَإِمَامَ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ؛ وَأَصْحَابِهِ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، أَمَا بَعْدُ:

قال الله سبحانه وتعالى: {وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ} الانفال: (۴۶) و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ ». صحيح مسلم (۵۶/۸) **مسلمانان گرامی و عزتمند!**

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته!

مسلمانان از ابتداء اسلام الى سقوط بغداد (۶۵۶ هـ ق) قوت بزرگ هیبت و شوکت داشتند و سایه ای عدالت اسلام تمام جهان را فرا گرفته بود و راز قوت هیبت و شوکت مسلمانها در این بود که آنها به الله تعالی ایمان قوی داشتند و در پهلوی ایمان داشتن به رسول الله صلی الله علیه وسلم از اقوال، افعال، وخصلت های پیامبر پیروی راسخ میکردند و در امور سیاسی و نظامی از امیر اطاعت میکردند.

اسباب ناکامی و ضعف مسلمانان زیاد است که بعضی آنها قرار ذیل است:

۱- ضعف عقیده و عمل:

در شرایط فعلی عقیده مسلمانها ضعیف شده و عزت خود را در مادیات و دوستی کفار جستجو میکنند در حالیکه عزت نزد الله و با دوستی مومنان است الله تعالی میفرماید: کسیکه عزت و قوت خود را از مخلوق و کفار طلب کند یقیناً عقیده او ضعیف شده و کسیکه عقیده او ضعیف شود در دنیا و آخرت ضعیف و ناکام میباشد بلکه کامیابی و عزت نزد الله تعالی و با دوستی مومنان است الله تعالی این حقیقت را به صراحت بیان کرده است فرموده است: {الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا} النساء: (۱۳۹)

ترجمه:- کسانی که کفار را بجای مومنان دوست خود قرار میدهند آیا عزت را نزد آنان می جویند بی گمان همه عزت از الله است یعنی این منافقان با دوستی کفار و یهود عزت قوت و غلبه را جستجو میکنند در حالیکه همه عزت و کامیابی در نزد الله

تعالی است و الله تعالی عزت دهنده و ذلت دهنده است امام قرطبی می نویسد: (أَيُّ الْغَلْبَةِ وَالْقُوَّةِ لِلَّهِ). تفسیر القرطبی (۵/ ۴۱۷) ترجمه:- یعنی غلبه و قوت خاص از الله تعالی است

در آیه مبارک دیگر الله جل جلاله فرموده است که عزت از الله و رسول او و در دوستی مؤمنان است نه در دوستی کفار الله تعالی فرموده است: **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ** {المنافقون: (۸)} ترجمه:- حال آنکه عزت تنها مخصوص الله و رسول او و مؤمنان است ولی منافقان نمی دانند. حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیت نوشته است: مقصد از این آیت عزت طلب کردن از الله و تلاش در عبودیت او است. و خود را در جمله بندگان الله منظم کردن است؛ آن مومنانیکه در دنیا و آخرت نصرت و کامیابی نصیب آنهاست. تفسیر ابن کثیر (۲/ ۴۳۵)

کامیابی حقیقی در دین و در تعلق با الله تعالی است، کسانیکه در بی دینی و در دوستی با کفار کامیابی را جستجو میکنند اینها در اشتباه بزرگ قرار گرفته اند؛ زیرا که در دوستی با کفار سبب ضعف و ناکامی مسلمانان میگردد. صحابه کرام از این جهت کامیاب ترین مردم های روی زمین بودند که آنها کامیابی را در دوستی با الله تعالی و در انجام اعمال نیک می دیدند.

ماوشما می بینیم که اعمال مردم چقدر ضعیف شده است، مساجد آباد است ولی وجود نماز گزار در آن کم است، ضایع کردن نماز و جماعت طوری است مانند: ضایع کردن ایمان، قرآن کریم وجود دارد اما تلاوت و عمل کردن به آن وجود ندارد، مال زیاد است اما خیرات و صدقات در راه الله وجود ندارد.

مردم در پی برآوردن شهوت های خود اند و شهوات در قلب های خود مردم غلبه کرده است و جای عبادات را گرفته است و مردم بنده خواهشات نفسانی گردیده اند و تمام اعضای بدن تابع خواهشات نفسانی اند. طوریکه الله تعالی فرموده است: **{أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ} الجاثية: (۲۳)** ترجمه:- پس آیا دیدی آنرا که هوا و هوس خود را معبود خویش گردانیده.

وقتیکه عقیده و عمل اینها ضعیف شد، در انظار دشمنان ضعیف شدند و در هر بخش زندگی به کفار محتاج شدند و غلامی جهان کفر را قبول کردند و پیروی کفار را اختیار کردند و در میدان اقتصادی و علمی از همه امت ها عقب مانده اند، صلاحیت منابع طبیعی خود را از دست دادند، امور اقتصادی خود را بدون مشوره و اجازه کفار پیش برده نمی توانند، ممالک اسلامی از بانکهای سودی کفار تا گلو قرضدار اند؛ صنعت ندارند و در جنگهای داخلی خود وسائل را از جهان کفر با قبول کردن شرائط آنها به پول خریداری میکنند و به بهانه های مختلف سرزمین های ایشان تحت اشغال کفار اند و در وطن و سرزمین خود به امنیت زندگی کرده نمی توانند؛ هم کشته میشوند و هم به هجرت ها و بی جا شدن مجبور میشوند، در میز خطابه جهانی صلاحیت و اختیار بیان را ندارند و در تمام بخش های زندگی به کفار محتاج اند که این آخرین مرحله ذلت است. طوریکه حضرت عمر رضی الله عنه برای ابو عبیده ابن جراح رضی الله عنه گفتند: (أَنَا كُنَّا أَذِلَّ قَوْمٍ فَأَعَزَّنَا اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ فَمَهْمَا نَطْلُبُ الْعِزَّ بَغِيرَ مَا أَعْزَّنَا اللَّهُ بِهِ أَذِلَّنَا اللَّهُ) المستدرک للحاکم (۱/ ۱۳۰)

ترجمه:- ما قوم ذلیل بودیم الله تعالی ما را به سبب اسلام عزت داد، هر گاه ماعزت را در غیر اسلام جستجو کنیم الله تعالی ما را ذلیل میکند.

یک بار سلمان فارسی رضی الله عنه در یک مورد به سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه گفت: (إِنَّ هَؤُلَاءِ صَادِقُونَ مَعَ اللَّهِ وَلِذَلِكَ أُيْدِهِمْ وَسَخَّرَ لَهُمُ الْبَحْرَ كَمَا سَخَّرَ لَهُمُ الْبَرَّ، وَأَخْشَى أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ يَتَخَلَّى فِيهِ الْمُسْلِمُونَ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ فَيَتَأَخَّرُ عَنْهُمْ نَصْرُ اللَّهِ).

ترجمه:- بدون شک این مردم با الله تعالی راستگو هستند از همین جهت الله تعالی ایشان را تأیید کرده، خشکه و بحر را برای ایشان مسخر ساخت و من از این درهراسم که روزی فرا رسد که در آن روز مسلمانان از عبادت الله تعالی رو گردانند و نصرت الله تعالی از ایشان سلب شود.

همچنان هنگام فتح قبرص حضرت ابو درداء رضی الله عنه گریه کرد و کسی برایش گفت: در اینطور روز گریه میکنی که الله تعالی در این روز دین خود را نصرت کرد و لشکر خود را عزت داد، حضرت ابو درداء رضی الله عنه فرمودند: من به حال این مردم می گریم که اینها نافرمانی الله تعالی را کردند و الله تعالی ما را بالای ایشان مسلط کرد من از این در هراسم که روزی فرا نرسد که در آن مردم در عبادت الله تعالی تقصیر و کوتاهی کنند و الله تعالی دشمن را بالای ایشان مسلط کند. البداية والنهاية (۷/ ۱۷۲).

۲- ترک کردن جهاد در راه الله تعالی:

جهاد اصل اساسی و بنیادی اسلام است، مسلمانان به قوت جهاد توانستند که پیغام پیامبر آخر الزمان را به جهان برسانند، و مردم را به دین خدا فرا بخوانند و انسان را از بندگی بنده خلاص کردند و به عبادت خالق یگانه فراخواندند، جهاد وسیله بزرگ قوت، عزت و کامیابی مسلمانان است، به اثر جهاد مسلمانان جامعه را از فساد، ذلت و سائر امراض نجات میدهند، در راه جهاد کسی کشته میشود او شهید است و اگر سالم برمیگردد او غازی و ولی است. وقتیکه در روزی زمین جهاد بود مسلمانان به همه دنیا غلبه داشتند، و سبب مهم بقای خلافت های سه گانه بزرگ اسلامی جهاد بود. به برکت جهاد دین بر تمام جهان پخش و شریعت اسلام تطبیق شد، اگر مسلمانان جهاد و کارهای آخرت را ترک کنند و تنها در امور دنیوی مصروف شوند به ذلت و روبرو میشوند. نبی علیه السلام فرمودند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِيْنَةِ، وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقْرِ، وَرَضِيْتُمْ بِالزَّرْعِ، وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ». سنن أبي داود (۳/ ۲۷۴)

ترجمه:- از عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: وقتیکه شما به سوداگری مشغول شوید: (بیع العینه) عبارت از یک شی را به قیمت بلند به قرض خریدن باز آن را به قیمت پایین فروختن را گویند و به جمع آوری مال مشغول شوید و سواری اسب ها را ترک کنید و در پی گاوها روان شوید یعنی به کشت زراعت راضی شوید و فرضیت جهاد را ترک کنید الله تعالی ذلت را بالای تان می آورد؛ تا وقتی از ذلت خلاص نمی شوید تا اینکه به دین خود رجوع ننمائید.

همچنان هدف بزرگ جهاد حریت و آزادی عقیده و حفاظت شعائر دینی است. برای مسلمانان آزمایش، تربیت و اصلاح است و در دل های کفار ترس و هراس را می اندازد، دلیل نموده و دسایس ایشان را از بین می برد، منافقین را افشاء میکند از یورش کفار جلوگیری میکند و بالاخره به قوت جهاد در روی زمین نظام الله تعالی را به وجود می آورد.

از زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم و بعد از آن مسلمانان جهاد را در راه الله تعالی یگانه وسیله کامیابی دنیا و آخرت می شمردند و به اساس این عقیده در راه الله تعالی از نفس ها، اولاد ها، مالهای خود و از تمام زنده گی خود منصرف بودند.

مسلمانان آن زمان مردمی بودند وقتیکه وسائل جهاد برایشان میسر نمی شد، بنا برعلاقه ایکه به جهاد داشتند گریان میکردند. الله تعالی فرموده است: {وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ} التوبة: (۹۲) ترجمه:- و همچنین گناهی نیست بر کسانی که پیش تو آمدند تا آنان را بر مرکب سوار کنی گفتی: چیزی نمی یابم که شمارا برآن سوار کنم و ایشان برگشتند در حالیکه چشمانشان از شدت اندوه پر از اشک بود از آنکه چرا چیزی نمی یابند که انفاق جهاد کنند.

در حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان عقب ماندن از جهاد را گناه نا بخشودنی می شمردند کسانیکه از جهاد باز مانده بودند مردم با ایشان سخن گفتن را بند کردن مانند: کعب بن مالک ، هلال بن امیه و مراره بن ربیعہ رضی الله عنہم که از غزوه تبوک عقب مانده بودند مردم با ایشان مقاطعه کردند.

مسلمانان زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم (رهبان باللیل و فرسان بالنهار). تاریخ ابن کثیر ۱۱/۷ مردمان راهبان شب و مجاهدین روز بودند.

خوراک مسلمانان زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم خرما و آب بود حتی در بعضی غزوات پای برهنه بیرون میشدند؛ مانند: غزوه ذات الرقاع.

اما قوت های بزرگ و امپراتوری های کفری از هیبت و قوت ایمان ایشان در هراس بودند. مسلمان پیشین مردمی بودند که در لباسهایشان پیوند های بی شماری می بود ، اما دشمن از هیبت ایشان می لرزیدند.

تاریخ صحابه کرام و اسلاف ما پر از عظمت، عزت و قوت است، علت آن این بود که آنها ایمان را از اعماق قلب پذیرفتند و به کدام کلمه ای که تلفظ میکردند تمام مقتضیات آن کلمه را به وجه احسن در خود عملی میکردند. مال و متاع دنیا در زندگی آنها هیچ ارزشی نداشت .

اگر ما به تاریخ درخشان اسلام مراجعه نمائیم در می یابیم که تاریخ مسلمانان پر از عزت، عظمت و قربانی ها در راه اسلام است. یک مثال از عظمت مسلمانان این است که یکبار در یکی از غزوات سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه ربیعہ ابن عامر رضی الله عنه را بالباس فرسوده نزد سر لشکری فارسیان رستم فرستاد، رستم برای او گفت: شما کیستید؟ حضرت ربیعہ رضی الله عنه با کمال فخر و غرور برایش گفت: ما آن قومی هستیم که الله تعالی ما را فرستاده تا اینکه ما مردم را از بندگی بنده رها نموده و به بندگی الله جل جلاله دعوت نمائیم؛ و مردم را از ظلم ادیان به عدالت اسلام و از تنگی دنیا به فراخی آخرت فرا خوانیم، پس کسیکه سخن ما را بپذیرد ما هم سخن او را می پذیریم و از ایشان بر می گردیم و کسانیکه در بین دعوت ما و مردم مانع واقع شود ما با ایشان میجنگیم تا که به وعده الله تعالی برسیم. رستم برایش گفت: وعده الله چیست؟ ربیعہ برایش گفت: کسیکه بمیرد برای او جنت است و کسیکه زنده بماند برای او فتح و کامیابی است. تاریخ الأمم والرسول والملوک - الطبري (۲/ ۴۰۱)

اگر ما به جرأت، اعتماد به نفس و قوت خطاب ربیعہ ابن عامر رضی الله عنه متوجه شویم، میدانیم که این همه از جانب رب العزت بود که ضعیف ترین انسان را به سبب دین قوی ترین انسان گردانید.

مسلمانان زمان گذشته مردمی بودند که در قلب های آنها خوف از الله بود و تابع هدایات قرآنی بودند و این را رسالت خود میدانستند که جهاد یک هدف مقدس است و راز عزت در آن نهفته است، و با داشتن این احساس الله از برای آنها انسانان، حیوانات وحشی، بحر و خشک را مسخر کرده بود و الله تعالی از برای ایشان عزت کرامت نصیب کرده بود و بالای تمام اقوام و امپراتور ها کامیاب بودند، آنها از بحر عبور می کردند در حالیکه سم های اسب هایشان تر نمی شد. مانند: حضرت علاء ابن حضرمی که با چهارهزار نفر به بحرین فرستاده شد که با تمام همراهان خود از سطح آب تیر شدند. (قال أبو هريرة فمشينا على الماء فوالله ما ابتلت قدم ولا خف بعير ولا حافر دابة وكان الجيش أربعة آلاف) کرامات الأولياء اللالكائي (ص: ۱۵۰) ابوهریره رضی الله عنه میگوید: ما از آب عبور کردیم و سوگند به الله که تر نشد هیچ پائی، و هیچ سپل شتری و هیچ بجلگی از حیوان و تعداد لشکر ایشان به چهار هزار بالغ میگردید؛ و وقتی که ایشان با حیوانات وحشی و درنده روبرو می شدند، به جای حمله بالای ایشان؛ مجاهدین را رهنمائی میکردند. مانند: واقعه غلام رسول الله صلی الله علیه وسلم مهران به سفینه مشهور بود که او یکبار به بحر سفر کرد و کشتی شکسته شد و او را به ساحل انداخت که با شیری روبرو شد و برایش گفت: ای شیر! من سفینه غلام رسول الله صلی الله علیه وسلم هستم و شیر او را رهنمائی کرد. سیر أعلام النبلاء (۱۷۳/۳)

وقتیکه عقیده مسلمانان ضعیف شد، به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم پشت داده و قیادت واحد را از دست دادند و جهاد در راه الله را ترک نمودند و در بین خود اختلاف کردند و گروه گروه شدند. سپس مسلمانان عزت، عظمت، قوت و کرامت خود را از دست دادند که فعلاً در روی زمین از همه ضعیف، ناکام، مظلوم، مقهور و به مصیبت ها گرفتار اند.

وقتیکه مسلمانها از دین روی گردانیدند قوت، کامیابی و عظمت از دست شان رفت، رهبری و قیادت دنیا را از دست دادند و فعلاً از ملیاردها مسلمان روی زمین چشم هشت ملیون کفار نمی سوزد و در چشم دشمنان ذلیل اند این همان حالتی است که رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن یاد آوری کرده و فرموده است: «عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- «يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا».

فَقَالَ قَائِلٌ وَمِنْ قَلِيلٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ قَالَ «بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غِنَاءٌ كَغِنَاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ وَلَيَقْذِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ». فَقَالَ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْوَهْنُ قَالَ «حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ». سنن أبی داود-ن (۱۸۴/۴)

ترجمه:- زود است که امت ها بر علیه شما جمع میشوند برای (کشتن و چپاول کردن ملکیت های شما) طوری که جمع میشوند خوردگان دور یک کاسه جهت خوردن. کسی گفت: آیا ما در آن وقت کم می باشیم وقتیکه آنها بر علیه ما جهت جنگ جمع شوند نبی علیه السلام فرمودند: شما در آن وقت زیاد می باشید، لکن شما در این وقت سبک می باشید: مانند کف دریا که در سر سطح سیلاب روان می باشد و بدون شک الله تعالی هیبت شما را از دلهای دشمنان بیرون میکند و در دلهای شما (وهن) یعنی ضعف رامی اندازد. شخصی گفت: ای رسول خدا! وهن چیست؟ نبی علیه السلام فرمودند: محبت دنیا و بد پنداشتن مرگ. یعنی الله تعالی هیبت شما را در دلهای دشمنان انداخته که شما شهادت را در راه الله تعالی یعنی مرگ را دوست دارید و در آن وقت الله تعالی هیبت شما را از دلهای دشمن بیرون میکند زیرا که شما محبت به دنیا را ترجیح میدهید. و مردن در راه الله تعالی به شما بد معلوم میشود.

در شرائط امروزی مسلمانان از لحاظ نفوذ و تعداد در جهان دارای قوت بزرگ اند و در (۵۷) کشور اسلامی به ملیون ها مسلمان زندگی میکنند، در بعضی ممالک اسلامی کفار یورش کرده اند و ظلمهای بی دریغ بالای آنها میکنند و در هر روز صدها طفل، زنان، کهن سالان و جوانان را شهید میکنند با وجود آن هم کسی آواز جهاد را بلند نمی کند؛ بعضی مسلمانان فکر میکنند گویا که جهاد یک حکم زمانه قبلی بود و فعلاً منسوخ شده است، بخاطر اینکه مسلمانها در مقابل کفار و دشمنان اسلام از جهاد کارنگیرند تا اینکه مسلمانان همینطور مغلوب باشند.

۳- نبود قیادت و رهبری واحد:

وقتیکه خلافت عثمانی به دست کفار از هم پاشیده و از بین رفت؛ از همان روز به بعد مسلمانان دیگر هم ضعیف شدند و در دامان دشمن افتیدند، از آن نعمت بزرگی که مسلمانان محروم ماندند که نبود قیادت واحد در جهان اسلام است. نبود قیادت خوب در میادین سیاسی و نظامی سبب مهم ناکامی مسلمانان است. بعد از جنگ دوم جهانی جهان کفر و قوت های بزرگ مسلمانان را به جزایر و دولت های کوچک تقسیم کردند و بالای آنها غلام های دست نشانده خود را مقرر کردند که بجای خدمت به مسلمانها؛ آنها تحت کنترل خود قرار دادند. وظیفه این غلامان دست نشانده این بود که مسلمانان را خوار و ذلیل نگهدارند و منابع اقتصادی آنها را به دست جهان کفر بسپارند و اگر کسی به ضد جهان کفر سخنی از زبان بیرون آورد باید آن کشته شود و یا در پشت تاریکی ها نگهدارند.

۴- خوش باوری با دشمن:

در جهان امروزی بیشتر رهبران ممالک اسلامی با قوت ها غربی به طور آشکار و پنهان ارتباط دارند و به زمامداران غربی بسیار خوش باور اند و اینها تحت تاثیر مفکوره ماده پرستی آمده اند، حتی تا اینکه گهگاهی برای سرکوب کردن رعیت

مسلمان خود از آنها کمک می‌خواهند. همچنان بیشتر جوانان جهان اسلام بخصوص اولادها طبقه ثروتمند در غرب تعلیم میکنند یا بخاطر کار بار به آنجا سفر میکنند تا اینکه در تحت تأثیر زیبایی ظاهری غرب می آیند بخاطر اینکه مسلمانان تحت تأثیر دشمن قرار نگیرند باید از تاریخ واقعی اسلام خود را آگاه کنند، مسلمانان باید بدانند که پیشرفت فعلی غرب از برکت علوم اسلامی است، باید در روشنائی کتاب الله وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم از تاریخ پیشینه خود فایده گرفته ودقت نمایند وپالیسی خود را با غرب از طریق احترام متقابل پیش ببرند نه به اساس تقلید کور کورانه وخوش باوری. از سرمایه علمی به طریقه خوب استفاده کنند وبه رهنمائی های اسلام درست عمل کنند، وبه هرنوع قوانین سیاسی، اقتصادی وبشری خوش باور نباشد، وهر نوع پلانهای دشمن را به زیرکی ومعقولیت بررسی نموده ونه تنها به خوش باوری اکتفاء کنند.

۵- پیروی از خواهشات نفسانی وشهوات:

مردم در پی خواهشات، منکرات، ومعاصی میگردند ومردم دیگر را نیز به منکرات فرا میخوانند به زبان و به عمل. واز طاعات به سوی شهوت های حرام وخواهشات نفسانی میلان میکنند مانند: زنا، شراب، شنیدن موسیقی واختلاط زن ومرد، تبرج زنها، وسفرکردن زنان بدون محرم وبدون اجازه شوهر و از اسباب زنا استفاده کردن.

مسلمانانیکه از گناهان وخواهشات نفسانی خود را حفاظت کردند آنها همیشه مردم قوی وکامیاب بودند.

ازاینکه اسباب ووسائل گناه وگمراهی درجهان امروزه نسبت به همه وقت بسیار زیاد است، از این جهت مسلمانان بخصوص نسل جوان به گناهان روی آورده وجاهای گناه آنقدر میسر شده که در گذشته به این اندازه کیفیت میسر نبود، بناءً دینداری مسلمانان ضعیف شد، سرکشی وطغیان ایشان زیاد شدوآن قوت ایمانی از اینها رفت. طوریکه درمسلمانان گذشته بود. بنا بر این در مقابل دشمنان ضعیف وناکام شدند.

۶- نبود وحدت در میان امت اسلامی :

در شرایط کنونی مشکل بزرگ مسلمانان در سطح جهان عدم وحدت اسلامی است، مسلمانان در سطح جهان نه وحدت سیاسی، نظامی ونه وحدت اقتصادی دارند. اینها به اساس اختلافات ذات البینی در هر گوشه از جهان تحت ظلم ووحشت دشمن قراردارند، بیشتر زمامداران ممالک اسلامی بخاطر بدست آوردن منافع شخصی خود با دشمنان مسلمانان رابطه برقرار میکنند؛ بخاطر منافع قوت های غربی مسلمانان را می کشند وکشورها را ویران میکنند مانند: افغانستان، عراق، سوریه و فلسطین که مثال واضح اند. یگانه راه حل این مشکل این است که مسلمانان به طور آشکار وپنهان متحد شوند. واینطور فکرکنندکه مسلمانان یک امت واحد اند، وتمام ممالک اسلامی مانند اعضای یک بدن اند. تمام مسلمانان ازهر ملیت وهر زبان وهر رنگی اند باید برای وحدت بطور انفرادی واجتماعی کار کنند، علماء، دانشمندان، شاعران، ادیبان و ژورنالیستان باید در این باره باجدیت کار کنند ووحدت مسلمانان را نسبت به هر چیز مهمتر بشمارند زیراکه اگر مسلمانان متحد باشند پس همه زنده می باشند واگر جدا شونددشمن مانند گرگان یکی را در پی دیگر می درد، در هر مجلس ودر هر جا باید بخاطر این فکر کار شود که فایده اختلافات ذات البینی مسلمانان به دشمنان می رسد وبه مسلمانان هیچ فایده ای نیست واگر به اخلاص کار صورت گیرد الله تعالی مسلمانان را در سطح جهان یک وحدت سیاسی، نظامی واقتصادی اسلامی نصیب میکند یکبار دیگر به سطح جهان به شکل یک نیروی قوی عرض اندام میکنند.

ضعف وناکامی امت اسلامی به سبب تشنج واختلافات وبه بختی به وجود می آید. الله تعالی فرموده است: {وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ} الانفال: (۴۶)

ترجمه:- و دیگر اینکه در اثنای جنگ الله ورسول او را اطاعت کنید و بایکدیگر اختلاف نکنید که سست و بزدل میشوید وقوت وهیبت شما از بین میرود بلکه صبر کنید چونکه نصرت الله با صبرکنندگان است.

توضیح: درآیه مبارکه فوق الله تعالی در نتیجه اختلافات مسلمانان میگوید: که به این کار قوت، دولت و هیبت شما از بین می‌رود و سب ضعف شما می‌گردد.

امام مجاهد رح میگوید: (الريح والنصرة والقوة). تفسیر البحر المحیط (۴/ ۴۱۱) که مراد از ریح نصرت و قوت است.

۷- ضعف در علوم عصری:

وقتیکه آموزش اسلامی و نظام تعلیمی به طبقات عصری و دینی تقسیم شد؛ مدارس اسلامی به جامعه در هر فن علمای بزرگ و دانشمندان را تقدیم کرد و مراکز اسلامی مانند: امام رازی، خوارزمی، ابن رشد، ابن سینا، البیرونی، فارابی ابن الهیثم، ابوبکر رازی و ابن خلدون به هزار ها فیلسوفان و ساینس دانان فارغ شدند که هم به دین خوب میدانستند و هم در علوم عصری جهان فیلسوفان بی مثال بودند، در عصر امروزی در بین مسلمانان افراد ماهر و فهمیده بسیار کم پیدا میشود و تعداد کمی از مردم به ذوق و کوشش انفرادی خود مقداری از مهارت را بدست آوردند بازهم تحت تأثیر فلسفه و محیط غرب آمده اند و کسانیکه از مراکز عصری و ساینسی فارغ میشوند با علوم دینی نابلد اند.

بسا اوقات به دست دشمن می افتند آنها به طور غیر شعوری به منافع خود آنها را می گمارند، یک ضرورت حتمی مسلمانان این است که در مناطق خود ادارات معیاری تعلیمی اعمار کنند در پهلوی علوم عصری علوم دینی هم تدریس شود و مطابق ضروریات وقت هر مسلمان کم از کم به وضعیت فعلی آگاه باشند و در پهلوی این مسلمانان باید در هر منطقه متخصص علوم عصری داشته باشند. مسلمانان وقتیکه در هر بخش از علوم عصری تعلیم میکنند باید با علوم ضروری دین خود آشنا باشند.

۸- نبود اسلحه پیش رفته و تکنالوژی جدید:

سنت الهی در کائنات این است که سبب مهم تفوق در بین انسانان و سائل دنیوی است، که کسی یک قوت قوی و سائل داشته باشد میتواند به رقیب خود غالب شود، که از جمله این وسائل وسیله مهم تکنالوژی جدید است، به قوت این وسائل انسان میتواند بالای مردم حکومت کند و داعیه خود را به دیگران برساند، رکن مهم اسلام جهاد است اگر دشمنان از دعوت اسلامی انکار کنند، در قدم اول از ایشان جزیه خواسته میشود، و در صورت عدم قبول پرداخت جزیه جهاد در مقابل آنها شروع میشود. در ترقی و پیشرفت های بشری در هر زمانه وسائل پیشرفته و تکنالوژی بکار برده میشود، مطابق به وقت و زمان و حالات و سائل مختلف جور میشود، در زمان فعلی عامل ضعف و ناکامی مسلمانان یک سبب بزرگش این است که مسلمانها در وسائل و تکنالوژی جدید عقب مانده اند. وقتیکه مسلمانها در سطح جهان قدرت بزرگ و تکنالوژی داشتند در آن وقت دشمنی نتوانست در سرحدات جهان اسلام داخل شوند و یا به کدام مسلمان در دنیا ضرر برسانند. فعلاً که مسلمانها تکنالوژی پیش رفته خود را ترک کردند دشمن بالای ایشان غالب است. الله تعالی مسلمانان را تشویق میکند که مطابق به زمان و مکان حالات و به قوت و وسائل جدید در مقابل دشمن استعداد قوی داشته باشید و در مقابل هر نوع وسائل؛ از وسائل پیشرفته کار گیرید و با دشمن مقابله کنید. الله تعالی میفرماید: {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ} {الانفال: ۶۰}

ترجمه:- ای مسلمانان! برای مقابله با کفار هر چه در توان دارید از انواع قوت آماده سازید و خصوصاً از اسب های مهیا شده تا به آن دشمن الله و دشمن خودتانرا بترسانید.

برای اولین بار در غزوات اسلامی مسلمانها منجیق را استعمال کرده اند که این در آن وقت یک سلاح پیشرفته بود. در تاریخ اسلام آمده که برای اولین بار مسلمانان کشتی جنگی را جور کردند و در مقابل دشمن از آن کار گرفتند و زره جور میکردند که این در اصل کسب داود علیه السلام بود و در جنگ ها از آن استفاده میکرد.

۹- ضعف اقتصادی:

جغرافیای جهان اسلام از منابع فراوانی که الله تعالی در عالم طبیعت خلق کرده مستفید هستند. منابع قیمتی جهان در خاک مسلمانان است

بنادر تجارتی مهم، راه های بحری وزمینی از جغرافیای مسلمانان عبور کرده است، بازهم مسلمانان تحت محاصره جهان غرب قرار دارند.

داد و ستد سود، فساد ورشوت جهان اسلام را تباه کرده. راه بیرون رفت از این حالت بد این است که مسلمانان از تمام نظام های اقتصادی خود را خلاص کنند و راه های عواید ناروا را بند کنند و نظام سودی را از بین ببرند و نظام بانکی را از آن خود کنند و زکات و صدقات و خیرات هارا در راه صحیح و درست به مصرف برسانند. نظام معیاری بانکی اسلامی نه تنها اینکه از آن خود کنند بلکه به جهان به شکل یک نظام نمونه تقدیم کنند.

زمامداران کشور های اسلامی باید منابع طبیعی را از دست اغیار بیرون نمایند و خودشان بخاطر استخراج این منابع متحدانه یک لایحه قوی را آماده کنند ، برای این کار در قدم اول اقدام مناسب این است که کشور های اسلامی باید کارهای کمپنی های تجارتی و خدماتی خارجی ها را محدود کنند، به صنعت های داخلی رو آورده شود برای هر کار افراد مسلکی و ماهر آماده کرده شود و نظریه محبت بی حد به دنیا شکستنده شود تا اینکه جهان اسلام به عواید خود متکی شوند و رهبران مسلمانان جهت متحد ساختن جهان اسلام و برای ایجاد یک اتحادیه قوی اقتصادی از عمق دل کار کنند.

والسلام علیکم

أقول قولي هذا، استغفرالله لي ولكم ولسائر المسلمين